



● در ابتدای گفت و گو بازگشت چند ساله‌ای به عقب خواهیم داشت. در مرحله اول انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴، جناب‌عالی رئیس ستاد انتخاباتی آقای دکتر لاریجانی بودید. بعد از مرحله دوم انتخابات، در فاصله کوتاهی هنگام تشکیل کابینه که همزمان با مجلس هفتم بود و جناب‌عالی هم نایب رئیس مجلس هفتم بودید، فعالیت‌هایی در حمایت از کابینه آقای دکتر احمدی‌نژاد داشتید، و تلاش‌هایی که برای رأی‌آوری دولت اول ایشان می‌کردید، ذهنیتی را برای خیلی‌ها ایجاد کرده بود و حتی در بعضی از تحلیل‌ها نوشتند: «نماینده دولت در مجلس». مخصوصاً اینکه جناب‌عالی یک تماس تلفنی مربوط به سال ۸۲ با وزیر اسبق اطلاعات را در خصوص عدم امضای حکم شهرداری آقای احمدی‌نژاد توسط وزیر کشور وقت رساندای کردید که گفته بودید آقای احمدی‌نژاد رئیس جمهور ماست. به نظر شما تفاوت آقای احمدی‌نژاد ۸۴ با آقای احمدی‌نژاد ۹۰ چیست؟ چون دیدیم که جناب‌عالی یکی از امضاکنندگان اصلی طرح استیضاح وزیر خارجه ایشان بودید. می‌خواهیم تفاوت آقای احمدی‌نژاد از ۸۴ تا ۹۰ را در ذهن مهندس باهنر بدانیم.

تفاهم نکردند، استفاده کرد و کاندیدا شد که بگذریم.

من مزاحی می‌کردم که البته خارج از جدی هم نبود و می‌گفتم: «علی‌رغم اینکه ما اصول‌گراها در دولت نهم همگی دست به دست هم دادیم که شکست بخوریم، اما خدا نخواست» و بالاخره یک اصول‌گرا موفق شد و او آقای احمدی‌نژاد بود. البته همان‌طور که اشاره کردید آن موقع اولویت اول ما آقای احمدی‌نژاد نبود، ما آقای لاریجانی را انتخاب کرده بودیم، اما بعد از نتیجه انتخابات مرحله دوم با حمایتی که کردیم بالاخره الحمدلله آقای احمدی‌نژاد انتخاب شد و ما راضی بودیم، خوشحال هم بودیم. احساسمان این بود که باید همه کمک‌ها را به هر صورتی هست به دولت آقای احمدی‌نژاد بکنیم تا ایشان بتواند موفق شود. سابقه دوستی ما با آقای احمدی‌نژاد آن موقع بیش از ۲۰ سال بود که در حال حاضر ۲۶، ۲۷ سال می‌شود. ما با همدیگر کار اجرایی نکرده بودیم، اما کاملاً با تفکرات، روحیات و اولویت‌های همدیگر آشنا بودیم. اوایل دولت زیاد تلاش کردیم، کمک کردیم. یاد هست دور اول آقای رئیس‌جمهور در حال بررسی اعضای کابینه بودند و هیئت را مشخص کرده بودند که ایشان را کمک کنند، آن موقع به آقای احمدی‌نژاد یکسری توصیه‌هایی داشتیم که اگر یک کابینه قوی و قدرتمند می‌خواهد خوب است از همین اصول‌گرایی که کاندیدا بودند و رأی نیاوردند استفاده کند و اسم آن چهار نفر مثل آقای قالیباف، آقای محسن رضایی و آقای لاریجانی را برد. گفتیم اینها نیروهای خوبی هستند، به هر حال مدعی بودند که می‌خواهند مملکت را اداره کنند، پس الان قاعدتاً باید خوب بتوانند یک وزارت‌خانه را اداره کنند و شما یک تیم قدرتمند خواهید داشت. همان موقع برای اولین بار از آقای احمدی‌نژاد شنیدم که گفت: «من به دنبال ژنرال‌ها نیستم. من نمی‌خواهم ژنرال در کابینه بیاورم». بعدها مشخص شد که گفت من می‌خواهم سرباز بیاورم.

با توجه به این روحیه و اگر چه حضرت‌عالی هم گفتید که شایعه هم

مملکت را اداره کنیم. همان‌جا عرض کردم که مسائل اقتصادی مسائل پیچیده‌ای است و به همدیگر ارتباط دارند، یعنی در همین مثالی که شما می‌زنید ما قندان را مجرد از استکان نمی‌توانیم بسازیم، نمی‌توانیم قندان را مجرد از اشتغال ببینیم، قندان را مجرد از تورم ببینیم؛ اینها مجموعه به هم پیچیده‌ای است که همه روی هم اثر می‌گذارند. بنابراین برای اداره امور اقتصادی باید تئوری داشته باشیم. به هر حال کار جلو رفت و شاید اولین اختلاف جدی که بین مجلس و آقای احمدی‌نژاد پیش آمد، مسئله رشد بودجه پروژه‌های عمرانی در سال اول یا دومی بود که ایشان لایحه بودجه را تقدیم مجلس کرد. یاد هست رشد ۸۰، ۹۰ درصدی در بودجه عمرانی مطرح کردند که آن موقع در مجلس در این باره خیلی بحث کردیم. ضمن اینکه موضوع بیماری‌های هندی هم مطرح بود که برخی در مجلس می‌گفتند. خلاصه‌اش این بود که پول تنها وسیله کار نیست، بلکه باید مجموعه شرایط جمع شود که یکی از آنها امکانات مالی و تأمین اعتبار است، اما تأمین اعتبار به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل تولید، رشد، رفاه یا عمران را حل کند. ساده عرض می‌کنم اگر بخواهیم کار عمران را گسترش بدهیم هم باید پول داشته باشیم، هم باید ظرفیت‌های اقتصادی کشور رشد کند، هم باید نیروی انسانی لازم را داشته باشیم، هم نهادهای عمومی، دولتی و غیردولتی داشته باشیم تا این توانمندی‌ها با هم جمع شود و به یک کار تولیدی تبدیل شود. والا اگر بودجه کشور در یک سال دو برابر شود، اصلاً معنایش این نیست که کار هم دو برابر انجام می‌شود و اینها یک مقدار تورم‌زا خواهد بود. آقای دکتر احمدی‌نژاد این را قبول نداشتند. بعد از دو سه سال

## گفت و گو

مقام معظم رهبری روبرو شد، ایشان هم یک مقدار مقاومت‌هایی داشت و بالاخره منصرف شد؛ البته احساس ما این است که آن فرد مخصوص در عمل تقریباً همه اختیارات معاون اول را داشت و هنوز هم شاید داشته باشد، یعنی در جای‌جای مسائل مختلف آثار تصمیماتش در دولت شاید پررنگ‌تر از آثار تصمیمات معاون اول رئیس‌جمهور باشد.

در مسئله وزیر امورخارجه و انتصابی که انجام شده بود و جریان انحرافی، یک مسئله خاص و ویژه بود که ان‌شاءالله این اتفاقات مجدداً تکرار نشود، اما احساس کردیم بدون استفاده از امکان استیضاح حتی با صحبتی که با خود آقای دکتر صالحی کردیم، ایشان هم تقریباً به ما می‌گفت که چاره‌ای ندارم و باید این کار را انجام دهم، به این دلیل به این نتیجه رسیدیم که اهرمی غیر از استیضاح نمی‌تواند مانع این کار شود. به هر صورت انجام شد و آن کار هم منتفی و مسئله حل شد، اما به تدریج یکسری اتفاقاتی افتاد، بعضی از افکار اینها و همین‌طور بعضی از عدم رعایت سازوکارهای مقدر کشور که مهم‌ترین آن قانون بود، مشخص شد. متأسفانه همین‌طور که جلو رفتیم معلوم و احساس شد که آقای احمدی‌نژاد به تشخیص شخصی خود بیش از قانون اهمیت قائل است و بیشتر تلاش می‌کند به تشخیص‌های خودش عمل کند، بعضی از قوانین را قبول دارد و اجرا می‌کند و بعضی‌ها را هم قبول ندارد و اجرا نمی‌کند. این یک اشکال اساسی در روند اداره کشور به وجود می‌آورد، چون معتقدیم محور ثبات یک جامعه و یک ملت قانون و پابندی به آن است، حتی اگر قانون ضعیفی باشد، حتی اگر قانون بدی باشد، چون ما به عنوان مرکز قانون‌گذاری ادعا نداریم هر قانونی که تصویب می‌کنیم

با اصلاحات مختصر و کوچکی قابل حل است.

اینها روی ارتباطات و تعامل‌ها سایه انداخت و یک مقدار گرفتاری‌ها بیشتر شد. عرض کردم جناب رئیس‌جمهور خیلی از تصمیماتی را که شخصاً می‌گرفتند اجرا می‌کردند حالا چه قانونی بودند و چه نبودند. کم‌کم یک مقدار طومار خلافکاری‌هایی که ایشان انجام داده است و دارد انجام می‌دهد، طولانی شد.

● اشاره‌ای که به اقدام آخر مجلس درباره استیضاح وزیر خارجه کردید، از ۳۹ امضا ۳۰ امضا پس گرفته شد و ۹ امضا باقی ماند، یعنی اگر یک امضای دیگر بود استیضاح انجام می‌شد. آن ۹ نفر نیازی ندیدند که پس بگیرند یا هنوز مصر به استیضاح بودند؟

نه، احساسم این بود که دیگر نیاز نمی‌دانستند، یعنی احساس کردند که استیضاح منتفی شده است، والا در همین قضیه استیضاح اول یک اختلاف نظر وجود داشت، یعنی همه معتقد بودند روی این اقدام آقای صالحی یعنی آن انتصاب، ایشان باید استیضاح شود. اختلاف نظری که وجود داشت این بود که بعضی‌ها می‌گفتند موارد دیگر نقاط ضعف آقای صالحی را به موارد استیضاح اضافه کنید، بعضی‌ها معتقد بودند نه، ما می‌خواهیم در اینجا نشان بدهیم که اعتراض ما متمرکز روی این نقطه از عملکرد هست. بقیه مسائلی است که می‌توانیم دور هم بنشینیم و راجع به آن صحبت کنیم تا حل بشود و به همین دلیل متن استیضاح صرفاً برای این اقدام بود. موقعی که آن هم تمام شد، طبیعتاً به‌طور معقول و عقلانی دلیلی برای ادامه استیضاح وجود نداشت و ندارد.

محمد رضا باهنر در گفت و گو با "شما" از

# احمدی نژاد ۸۴

● به یکسری تشخیص‌های فردی آقای رئیس‌جمهور اشاره فرمودید. امسال شاهد اتفاقاتی هستیم، سه ماه از سال ۹۰ که مقام معظم رهبری آن را سال جهاد اقتصادی نام‌گذاری کرده‌اند گذشته است. ما بی‌نظمی‌ای را در تعدادی از وزارت‌خانه‌های اقتصادی مشاهده می‌کنیم، وزارت‌خانه‌های مهم اقتصادی‌مان وزیر ندارند، برای وزارت نفت بعد از مدت زیادی سرپرست منصوب شد و اخیراً وزارت تعاون که جزو وزارت‌خانه‌های اقتصادی هست، وزیرش سرپرست وزارت‌خانه جدید دیگری که به‌یقین کار زیادی می‌برد می‌شود. موضوع دیگری که باز مرتبط با انتصاب اخیر در خصوص رأی نیاوردن آقای سجادی در مجلس می‌شود این بود که یکی از نمایندگان مجلس به صراحت می‌گوید: «شما تکلیف خودت را با جریان انحرافی مشخص کن، بعد ما ببینیم می‌توانیم به تو رأی بدهیم یا نه». آیا شما هم بین این اتفاقاتی که در وزارت‌خانه‌های مهم اقتصادی به نام ادغام‌ها رخ داد و جریان انحرافی

بدون عیب است، به هر حال اشکالاتی دارد و نازل‌شده از طرف باری‌تعالی نیست، بالاخره آدم‌ها جمع شده‌اند و آن وضع کرده‌اند و ممکن است این قانون اشکال داشته باشد و بهتر از آن قابل‌تصور باشد، اما هیچ‌کدام از اینها دلیل نمی‌شود که نظام اداره کشور از مسیر قانونمندی خارج شود، چون آن وقت مضرت و صدمات آن بسیار عظیم خواهد بود. در این قضیه اختلافات زیادی بود و حتی به جاهایی رسید که آقای رئیس‌جمهور تفاسیر خاصی از اصول قانون اساسی داشتند و بعضی از فرآیندهای قابل‌قبول را که ما مدعی بودیم اینها طبق قانون اجرا شده‌اند، قبول نداشتند. اگر شما به آرشینو مسائل برگردید نامه‌های متعدد به مجلس، سخنرانی‌ها و... حاکی از برداشت‌هایی بود که خودشان از بعضی اصول قانون اساسی داشتند و اصرار بر دیگران که آنها هم باید به این برداشت‌ها عمل کنند، آخرینش نامه‌ای بود که ایشان در پایان سال ۸۸ به آقا نوشتند و حدود ۱۷، ۱۸ مورد اشکال عملکرد مجلس را با استناد به قانون اساسی ذکر کردند که

تازه این حرف یک مقدار به بار نشست و ما برای مدت‌ها که داشتیم از تورم دو رقمی نجات پیدا می‌کردیم یک تورم ۲۵، ۲۶ درصدی نتیجه کار شد، البته کارها و تلاش‌ها هم زیاد بود. آقای احمدی‌نژاد نقاط مثبت بسیار زیادی داشت: مردمی بودن، پرتلاش بودن، دلسوز بودن، تعصب خدمت داشتن، حتی می‌توانم بگویم در خدمت به مردم و تأمین عدالت‌ و رعایت شجاعت‌هایی داشتند مثلاً گفتن امام و انقلاب را مجدداً مطرح کردند، شجاعت در حرف‌های بزرگ زدن و کارهای بزرگ کردن؛ اگر بخواهیم اینها را لیست کنیم آقای احمدی‌نژاد مشخصه‌های زیادی داشتند و همین الان هم دارند، البته ایشان نقاط ضعفی هم داشتند. به همین دلیل معتقد بودیم باید در جاهایی که می‌پسندیم و قبول داریم محکم با همه توان دفاع کنیم و در جاهایی که نقد داریم، نقدمان را بگوییم. البته تلاش می‌کردیم تا آنجائی که می‌توانیم خصوصی، غیررسمی‌های و در جلسات و محافلی که با ایشان داریم مطرح کنیم.

اگر بخواهیم به سنوئل شما برگردیم که آقای احمدی‌نژاد سال ۸۴ با آقای احمدی‌نژاد امروز چه فرقی دارد، شاید ایشان فرقی نکرده باشد و اطلاعات ما در باره ایشان بیشتر شده باشد. این هم به دلیل کارها و وظایفی بوده که ایشان انجام داده است و کم‌کم در مورد شخصیت و رفتارهای ایشان مقوله‌هایی در ذهنمان شکل گرفت.

بحث اخیر استیضاح مقوله جدایی بود. در بساره انحراف اولین مقام رسمی که مسئله انحراف را در کشور مطرح کردند مقام معظم رهبری بودند که ایشان بعد از جریان فتنه ۸۸ و هزینه‌های سنگینی که این جریان به نظام تحمیل کرد، هشتاد دادند که رویای انحرافی دیده می‌شود و با این تعبیر و به این مضمون اشاره کردند که من تا زنده هستم نمی‌گذارم این انحراف در انقلاب اتفاق بیفتد. مشخص بود چه نقاطی و چه کسانی. شاید یک مقدار به قبل از این برگردیم، همان داستان اول دولت دهم بود و انتخاب فرد خاصی از سوی رئیس‌جمهور به عنوان معاون اول، که با مخالفت مجلسی‌ها، بزرگان، علما، مراجع و نهایتاً به‌طور رسمی با مخالفت

وزارت مسکن و وزارت راه زمانی ادغام شدند که وزیر راه

در مجلس استیضاح شد و استیضاحش رأی آورد، شاید بعداً‌ظهر آن روز

یا روز بعد بود که رئیس‌جمهور اعلام کردند که وزارت راه کلاً در وزارت

مسکن ادغام شود، یعنی احساس عمومی مجلس این شد که بیشتر وزرا دارند

ادغام می‌شوند تا وزارت‌خانه‌ها

ارتباطی می‌بینید؟

سابقه قضیه ادغام‌ها مشخص است، ماده ۵۳ قانون برنامه را تصویب کردیم و با دولت تفاهم کردیم که ظرف مدت دو سال از آغاز برنامه پنجم، حداکثر تا پایان سال دوم تشکیلات جدیدش را طوری طراحی و ادغام کند که ۲۱ وزارت‌خانه ۱۷ وزارت‌خانه شود. البته آقای رئیس‌جمهور می‌خواست این کار را در یک مقطع زمانی بسیار کوتاه انجام بدهد. اولاً بحث این بود که ادغام را مجلس انجام بدهد یا دولت که این باز هم از آن برداشت‌هایی بود که برداشت آقای رئیس‌جمهور این